



Investigating and Comparing the Effects of Corporate Income Taxes and Government Expenditures on Unemployment Rates in Iranian Provinces

Mozaffari, Z.¹

Type of Article: **Research**

 10.22126/PSE.2024.10040.1081

Received: 22 December 2023; Accepted: 24 February 2024

P.P: 427-446

Abstract

Unemployment is one of the most significant economic and social issues in the country, with extensive implications for people's lives and economic development. Reducing the unemployment rate through various policies, including changes in government expenditures and tax rates, is a matter of concern. Given the importance of the issue of unemployment at the provincial level in Iran and the necessity of identifying the factors affecting it, this study seeks to investigate and compare the effects of corporate income taxes and government expenditures on the unemployment rates in Iranian provinces during the years 2008-2021. The model under study is dynamic, as the unemployment variable is influenced by its past values, thus creating autoregressive conditions. Accordingly, the econometric method used in this study is generalized method of moments (GMM). The results showed that corporate income taxes, the unemployment rate in the previous period, and urbanization have a positive impact on unemployment. On the other hand, economic growth variables and the government expenditure index have a significant negative effect on unemployment. Considering that the coefficient of corporate income taxes is greater than the estimated coefficient of government expenditures, corporate taxes have a more significant impact on the unemployment rate than government expenditures. Based on the results, it is suggested that the policy-making process should prioritize reducing corporate income taxes and allocating government expenditures towards job creation and business development.

Keywords: Corporate Income Taxes, Government Expenditures, Unemployment, Iranian Provinces, GMM.

JEL Classification: C23, E24, H71, H25.

1. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

Email: z.mozaffari@uok.ac.ir

Citations: Mozaffari, Z. (2024). "Investigating and Comparing the Effects of Corporate Income Taxes and Government Expenditures on Unemployment Rates in Iranian Provinces". *Public Sector Economics Studies*, 2 (4), 427-446.

Homepage of this Article: https://pse.razi.ac.ir/article_2958.html?lang=en



بررسی و مقایسه اثرات مالیات بر درآمد شرکت ها و مخارج دولت بر نرخ بیکاری در استان های ایران

زانا مظفری^۱

نوع مقاله: پژوهشی

10.22126/PSE.2024.10040.1081

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

صص: ۴۲۷-۴۴۶

چکیده

بیکاری یکی از مهم ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور است و تأثیر گسترده ای بر زندگی مردم و توسعه اقتصادی دارد. کاهش نرخ بیکاری از طریق سیاست های مختلفی از جمله تغییر در هزینه های دولت و نرخ های مالیاتی مورد توجه است. با توجه به اهمیت مسئله بیکاری در سطح استان های ایران و لزوم شناسایی عوامل مؤثر بر آن، این مطالعه به دنبال بررسی و مقایسه اثرات مالیات بر درآمد شرکت ها و مخارج دولت بر نرخ بیکاری استان های ایران طی سال های ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۰ است. مدل مورد مطالعه پویاست. زیرا متغیر بیکاری از مقادیر گذشته خود اثرپذیری دارد و شرایط گشتاوری را فراهم می کند. بر این اساس، روش اقتصادسنجی به کاررفته در این مطالعه گشتاورهای تعمیم یافته است. نتایج نشان می دهد که مالیات بر درآمد شرکت ها، نرخ بیکاری در دوره گذشته و شهرنشینی تأثیر مثبت و معنادار و از سوی دیگر، متغیرهای رشد اقتصادی و شاخص مخارج دولت تأثیر منفی و معنادار بر بیکاری دارند. با توجه به اینکه ضریب مالیات بر درآمد شرکت ها از قدر مطلق ضریب برآوردی مخارج دولت بزرگ تر است، مالیات بر شرکت ها بیشتر از هزینه های دولت بر نرخ بیکاری تأثیرگذار است. با توجه به نتایج، پیشنهاد می شود که طی فرایند سیاست گذاری، کاهش مالیات بر شرکت ها در دستور کار قرار گیرد و مخارج دولت به ایجاد اشتغال و توسعه مشاغل اختصاص داده شود.

واژه های کلیدی: مالیات بر درآمد شرکت ها، مخارج دولت، بیکاری، استان های ایران، GMM.

طبقه بندی JEL: H25, H71, E24, C23

۱. استادیار گروه علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

Email: z.mozaffari@uok.ac.ir

ارجاع به مقاله: مظفری، زانا. (۱۴۰۲). «بررسی و مقایسه اثرات مالیات بر درآمد شرکت ها و مخارج دولت بر نرخ بیکاری در استان های ایران». مطالعات اقتصاد بخش عمومی، ۲ (۴)، ۴۲۷-۴۴۶.

صفحه اصلی مقاله در سامانه نشریه: https://pse.razi.ac.ir/article_2958.html

۱. مقدمه

بیکاری از مشکلاتی است که کشور ایران با آن مواجه است و مقابله با آن از اهداف مهم دولت به شمار می‌آید. رسیدن به اشتغال کامل یکی از ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق ۱۴۰۴ ذکر شده است (عالی‌پور و عنایتی، ۱۳۹۹؛ دلیری، ۱۳۹۵). وجود نرخ بیکاری بالا باعث می‌شود تا از یک طرف بخش وسیعی از نیروی فعال جامعه - که می‌توانست در فعالیتهای مختلف به کار گرفته شود و رشد تولید ملی و شکوفایی را به بار آورد - به هدر رود (Bettendorf et al, 2009). مهار بیکاری از طریق سیاست‌های مناسب موجب کاهش بسیاری از عوارض نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و زمینه مناسب‌تری را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد (صیدایی و همکاران، ۱۳۹۰).

سیاست‌های مالی در اقتصاد می‌تواند کارکردهای متفاوتی داشته باشد؛ از یک طرف منبع درآمد دولت و از طرف دیگر سیاستی برای تصحیح خطای بازار است. کارکرد سوم هم این است که به‌عنوان ابزاری برای بهبود اشتغال شناخته می‌شود (Murwirapachena et al, 2013). سیاست‌های مالی دولت می‌تواند در تغییر نرخ بیکاری مؤثر باشد. دولت می‌تواند به نحوی مخارج و هزینه‌های خود را تنظیم نماید که باعث افزایش اشتغال شود (Isiaka, 2020).

برخی اقتصاددانان بر این باورند که بدون دخالت دولت در اقتصاد ممکن است وضعیت اقتصادی جامعه به سوی رکود بلندمدت و نرخ بیکاری بالا حرکت کند (Onodugo et al, 2017). مخارج دولتی می‌تواند با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و سایر بخش‌ها شغل‌های جدید ایجاد کند (Abouelfarag & Qutb, 2020)؛ همچنین ممکن است از طریق تأثیرات غیرمستقیم خود بر اقتصاد مانند افزایش یا کاهش تورم، بر نرخ بیکاری اثرگذار باشد (Holden & Sparrman, 2018). کارایی سیاست‌های مالی دولت در بهبود اشتغال در همه جوامع یکسان نیست و به نظر اقتصاددانان متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که به اعتقاد برخی اقتصاددانان، دخالت دولت در اقتصاد موجب افزایش اشتغال و به اعتقاد برخی دیگر، این دخالت‌ها موجب کاهش اشتغال می‌شود (منتظری شورکچالی و زاهدغوری، ۱۴۰۰).

در میان انواع مالیات، مالیات بر درآمد شرکت‌ها سهم عمده‌ای در تعیین درآمدهای مالیاتی دولت دارد. این نوع مالیات آشکارترین مالیاتی است که از طریق هزینه سرمایه و سطح سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Mark et al, 2000). بر اساس برخی نظریه‌های اقتصادی، افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها ممکن است به کاهش توانمندی شرکت‌ها برای ایجاد شغل و گسترش کسب‌وکارها منجر شود. بر پایه این نظریه‌ها، شرکت‌ها در پرداخت مالیات بیشتر ممکن است منابع مالی خود را برای سرمایه‌گذاری و افزایش اندازه واحدهای تولیدی کاهش دهند که این مسئله می‌تواند به کاهش ایجاد شغل و اشتغال منجر شود (Wang & Sun, 2023). از سوی دیگر، برخی محققان معتقدند که مالیات بر درآمد شرکت‌ها ممکن است تأثیر متنوعی بر اشتغال داشته باشد که به عوامل مختلفی از جمله ساختار مالی شرکت‌ها، نوع فعالیتهای اقتصادی و شرایط اقتصادی وابستگی

دارد. به عبارت دیگر، تأثیر مالیات بر درآمد شرکت‌ها ممکن است به‌طور مثبت یا منفی بر اشتغال اثر بگذارد (Zirgulis & Šarapovas, 2017).

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان اظهار داشت که سیاست‌های مالی روی اشتغال و تغییر نرخ بیکاری مؤثر است. بر این اساس، مطالعه حاضر برای پاسخگویی به این سؤال انجام شده که مالیات بر درآمد شرکت‌ها و مخارج دولت بر نرخ بیکاری استان‌های ایران تا چه اندازه مؤثرند و اثر کدام یک بیشتر است؟ لذا پژوهش حاضر تأثیر مالیات بر درآمد شرکت‌ها و مخارج دولت بر نرخ بیکاری استان‌های ایران را بررسی می‌کند و سپس این فرضیه را ارزیابی می‌کند که «تأثیر مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر نرخ بیکاری در استان‌های ایران بیشتر از تأثیر مخارج دولت است». این تحقیق می‌تواند به برنامه‌ریزان اقتصادی و منطقه‌ای در تنظیم برنامه‌های توسعه اقتصادی کمک کند تا از طریق تخصیص منابع، هم عدم تعادل‌های منطقه‌ای و هم شکاف اشتغال بین استان‌های کشور از بین رود. سازمان‌دهی مقاله این‌گونه است: در بخش دوم مقاله مبانی نظری تبیین شده، در بخش سوم به پیشینه پژوهش و در بخش چهارم به روش‌شناسی پرداخته شده است. بخش پنجم دربرگیرنده تخمین مدل و تحلیل یافته‌های تحقیق است. بخش ششم به نتیجه‌گیری کلی اختصاص یافته و نیز توصیه‌های سیاستی ارائه شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مخارج دولت و نرخ بیکاری

سیاست‌های پولی و مالی اهداف کلی مشترکی مانند رشد اقتصادی، ثبات اقتصادی و اشتغال کامل دارند. بروز مازاد تقاضا، در صورتی که ظرفیت بیکار وجود نداشته باشد، باعث بروز تورم خواهد شد؛ اما کمبود تقاضا دست‌کم در کوتاه‌مدت باعث افزایش بیکاری و کاهش قیمت‌ها می‌شود (سپهردوست و همکاران، ۱۳۹۸). اتخاذ هرگونه سیاست مالی اعم از تعدیل هزینه‌های دولت و یا تغییر در نرخ‌ها و مشوق‌های مالیاتی، بر مؤلفه‌های اصلی بازار نیروی کار شامل تقاضا و عرضه نیروی کار، تأثیر می‌گذارد و به تعیین سطوح جدیدی از اشتغال و دستمزد واقعی می‌انجامد (رضاقلی‌زاده، ۱۳۹۴). هزینه‌های مصرفی دولت در بخش‌های سرمایه‌ای و زیربنایی و همچنین انواع هزینه‌های سرمایه‌گذاری باعث افزایش بهره‌وری و تقاضای نیروی کار و همچنین افزایش عرضه نیروی کار می‌شود. این امر موجب می‌شود نرخ پیدا کردن کار افزایش و نرخ بیکاری کاهش یابد (Karras, 1993).

تأثیر مثبت مخارج دولتی بر اشتغال یکی از مباحث شناخته‌شده در ادبیات اقتصادی است و بخش دولتی یکی از بخش‌های مهم در فرایند و جریان مدور اقتصادی محسوب می‌شود. از دیدگاهی دیگر، هزینه‌های دولت بر کاهش نرخ بیکاری تأثیر چندانی ندارد و افزایش هزینه‌های دولت در بخش‌های سرمایه‌ای و زیربنایی لزوماً موجب افزایش تقاضای نیروی کار نمی‌شود. هزینه‌های ناکارآمد دولت سبب تخصیص نامناسب منابع و کاهش درآمد قابل تصرف فعالان اقتصادی و بخش خصوصی می‌شود. از این‌رو، آن‌ها در مورد مصرف و سرمایه‌گذاری خود واکنش نشان می‌دهند و آن را می‌کاهند که این امر به کاهش اشتغال و افزایش بیکاری منجر می‌شود (کریمی پتانلار و همکاران، ۱۳۹۴). افزایش هزینه‌های دولت اثر جانشینی جبری برای بخش خصوصی و به‌ویژه سرمایه‌گذاری

خصوصی ایجاد می‌کند؛ در نتیجه، پیشرفت فناوری، رشد بهره‌وری و قدرت رقابت صنایع کاهش می‌یابد و از این رو موجب افزایش بیکاری می‌شود (انصاری سامانی و خیل کردی، ۱۳۹۵).

۲-۲. مالیات بر شرکت‌ها و نرخ بیکاری

مالیات‌ها بر تخصیص منابع تأثیر می‌گذارند و بر متغیرهای واقعی اقتصادی نیز آثار مهمی دارند. هدف دولت از وضع مالیات بر پایه‌های مختلف مالیاتی صرفاً کسب درآمد بیشتر نیست (Bettendorf et al, 2007). مالیات از یک طرف بر عرضه کالا و خدمات تأثیر می‌گذارد و باعث افزایش هزینه تولید می‌شود که این امر موجب می‌شود بنگاه‌ها به کاهش عرضه تمایل پیدا کنند. از طرف دیگر نیز بر درآمد قابل تصرف تأثیر می‌گذارد که به کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات می‌انجامد. هنگامی که به‌طور کلی تقاضا و عرضه در اقتصاد پایین‌تر است، فرصت‌های کمتر برای اشتغال وجود دارد و این خود سبب افزایش میزان بیکاری می‌شود (Antón, 2014). کاهش مالیات به‌عنوان یک سیاست مالی انبساطی به افزایش تقاضا و قیمت‌ها منجر می‌شود و متعاقب آن، دستمزدها و اشتغال نیز افزایش می‌یابد. با افزایش مالیات‌های مستقیم در بخش‌های اقتصادی در بلندمدت، بنگاه‌ها باید بخش زیادی از درآمد خود را صرف پرداخت مالیات کنند. با این کار، درآمد کل در اقتصاد کاهش می‌یابد و بنگاه‌های اقتصادی توان پرداخت دستمزد به نیروی کار را نخواهند داشت و تقاضای خود را برای نیروی کار کاهش خواهند داد (اثنی‌عشری و کرباسی، ۱۳۸۸). اگرچه برخی اقتصاددانان اعتقاد دارند که دریافت مالیات سنگین از افراد ثروتمند یکی از راه‌های کاهش نابرابری درآمد و باز توزیع آن در جامعه است، اما به عقیده دیگران این عمل می‌تواند تأثیرات منفی بر سیستم اقتصادی داشته باشد. به عقیده مخالفان، قشر پردرآمد جامعه منبع اصلی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در جامعه به شمار می‌آیند و کاهش درآمد آن‌ها به‌مثابه کاهش پس‌انداز خواهد بود. همچنین وضع مالیات سنگین انگیزه سرمایه‌گذاری مستقیم آن‌ها را کاهش می‌دهد که در هر دو صورت، اثر کلی این نوع مالیات به‌صورت کاهش تولید و اشتغال در جامعه خواهد بود (سپهردوست و همکاران، ۱۳۹۸).

اخذ مالیات از صاحبان شرکت‌ها بابت درآمدی است که آنان از طریق به‌کارگیری سرمایه در کارهای مولد و اشتغال‌زا به دست می‌آورند. با افزایش مالیات بر اشخاص حقوقی در قسمت‌های مختلف اقتصادی در بلندمدت، فعالان اقتصادی باید بخش فراوانی از بازدهی سرمایه خود را برای پرداخت مالیات کنار بگذارند که با این کار، درآمد شرکت کاهش می‌یابد و قدرت پرداخت دستمزد نیروی کار کم می‌شود و تقاضای نیروی کار کاهش می‌یابد (Beaudry et al, 2009). مالیات بر درآمد شرکت‌ها در حقیقت بر مبنای سود شرکت‌ها اعمال می‌شود. نرخ این مالیات در کشورهای گوناگون متفاوت است، اما آنچه در حال حاضر در اغلب کشورها دیده می‌شود آن است که نرخ این مالیات در سراسر جهان در حال کاهش است (ابوذری و همکاران، ۱۳۹۳).

افزایش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها به کاهش سرمایه‌گذاری در کشور مزبور منجر می‌شود و سرمایه‌گذاران اقدام به سرمایه‌گذاری در خارج از کشور می‌کنند و تقاضا برای نیروی کار در آن کشور و در نتیجه اشتغال و دستمزد نیز کاهش می‌یابد. از طرفی سرمایه‌گذاران سایر کشورها نیز از سرمایه‌گذاری در این کشور خودداری می‌کنند و

این امر با کاهش شدید در تقاضای کل، به افزایش بیکاری منجر می‌شود (Ljungqvist & Smolyansky, 2014). اتکای بیش از حد به مالیات بر درآمد شرکت‌ها باعث کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران در فعالیتهای بنگاه (افزایش سرمایه و ارتقای بهره‌وری) می‌شود. کاهش نرخ مالیات بر سود شرکت‌ها سبب افزایش سرمایه‌گذاری و بنابراین، افزایش سطح اشتغال می‌شود. کاهش نرخ مالیات بر سود شرکت‌ها در کوتاه‌مدت سبب کاهش درآمد مالیاتی دولت می‌شود؛ بنابراین می‌تواند مشکلاتی را ایجاد کند (Lora & Fajardo, 2016).

افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها موجب افزایش نرخ تنزیل می‌شود و متعاقب آن، از یک طرف هزینه‌های تولید افزایش و از طرف دیگر تقاضای سرمایه کاهش می‌یابد. به دنبال کاهش تقاضا برای سرمایه، چنانچه کشش جانشینی بین دو عامل تولید مساوی یک باشد، نیروی کار کاملاً جانشین سرمایه می‌شود و اشتغال بدون تغییر باقی می‌ماند. به این معنی که اثر منفی افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها روی اشتغال کاملاً خنثی می‌شود. ولی چنانچه کشش جانشینی بین دو عامل تولید کوچک‌تر از یک باشد، از آنجا که نیروی کار به‌طور کامل قابلیت جانشینی به‌جای عامل سرمایه را ندارد، افزایش در اشتغال به میزان اندکی خواهد بود (Feldmann, 2011).

به‌طور خلاصه می‌توان کانال‌های اثرگذاری مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر اشتغال را به‌صورت زیر ذکر کرد:

۱. کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری: افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری و توسعه را در شرکت‌ها کاهش دهد. به دنبال آن، شرکت‌ها تمایل کمتری به استخدام نیروی کار جدید خواهند داشت (Lora & Fajardo-González, 2016).

۲. افزایش هزینه‌های تولید: افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها به‌عنوان یک هزینه اضافی برای شرکت‌ها تلقی می‌شود. این افزایش هزینه می‌تواند به تعدیل نیرو و کاهش اشتغال منجر شود (Eichner & Runkel, 2009).

۳. کاهش رقابت: افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها می‌تواند به‌طور خاص به ضرر شرکت‌های کوچک و متوسط باشد. این امر می‌تواند منجر به کاهش رقابت در بازار و در نهایت کاهش اشتغال شود (Meyer, 2018).

۴. خروج سرمایه: افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها می‌تواند انگیزه شرکت‌ها برای انتقال فعالیتهای خود به کشورهای با نرخ مالیات پایین‌تر را افزایش دهد. این امر می‌تواند به خروج سرمایه و از دست رفتن شغل در کشور منجر شود (Zirgulis & Šarapovas, 2017).

۵. کاهش تقاضا: افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها می‌تواند به دلیل کاهش سود شرکت‌ها، منجر به کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات شود. این امر می‌تواند به کاهش تولید و در نهایت کاهش اشتغال منجر شود (George-Anokwuru & Okowa, 2021).

در مجموع می‌توان گفت که مبانی نظری اشاره به این دارند که مخارج دولت و مالیات بر درآمد شرکت‌ها ممکن است از راه‌های مختلف تأثیرات متفاوتی بر بیکاری داشته باشد. همچنین با توجه به اینکه نوع و میزان دخالت دولت و اثرات ناشی از آن بستگی به کیفیت و جایگاه دولت در اقتصاد یک استان دارد، می‌توان گفت که شدت و نوع اثرات هزینه‌های دولت بر استان‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد.

۳. پیشینه پژوهش

در جدول زیر خلاصه‌ای از مهم‌ترین مطالعات نزدیک به موضوع تحقیق ارائه شده است:

جدول ۱. خلاصه‌ای از مطالعات انجام‌شده نزدیک به موضوع تحقیق

پژوهشگر(ان)	موضوع	نتایج
Doménech & García (2008)	بررسی ارتباط بین بیکاری، مالیات و هزینه‌های عمومی در اقتصاد کشورهای عضو OECD	رابطه بین بیکاری و مالیات بر درآمد به میزان هزینه‌های دولت در اقتصاد بستگی دارد. به طوری که افزایش هزینه‌های دولت موجب تأثیر بیشتر مالیات بر درآمد روی نرخ بیکاری می‌شود.
Keuschnigg (2009)	اثر مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر سرمایه‌مستقیم خارجی و بیکاری در کشورهای عضو اتحادیه اروپا	مالیات بر درآمد شرکت‌ها درآمدهای مالیاتی را افزایش می‌دهد و به بدتر شدن وضعیت مالی دولت و افزایش بیکاری ساختاری منجر می‌شود.
Ljungqvist & Smolyansky (2014)	اثر مالیات بر شرکت‌ها، اشتغال و درآمد در آمریکا	افزایش در نرخ‌های مالیات بر درآمد شرکت‌ها سبب کاهش معناداری در اشتغال و درآمد خواهد شد.
Zirgulis & Šarapovas (2017)	تأثیر مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر بیکاری ۴۱ کشور منتخب	افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها باعث افزایش بیکاری و افزایش هزینه‌های دولت موجب کاهش بیکاری می‌شود.
Egebark & Kaunitz (2018)	تأثیر کاهش مالیات روی اشتغال نیروی کار جوان آمریکا	رابطه معناداری بین مالیات بر درآمد و دستمزد نیروی کار جوان وجود دارد.
Kuralbayeva (2019)	تأثیر مالیات زیست‌محیطی روی بیکاری ایتالیا	مالیات زیست‌محیطی در کشورهای در حال توسعه موجب افزایش بیکاری و در کشورهای صنعتی موجب عدم تغییر اشتغال شده است.
Kroft et al (2020)	تأثیر مالیات‌ها بر نرخ بیکاری آمریکا	مالیات بر درآمد، نسبت به مالیات به شرکت، به میزان کمتری موجب بیکاری و تغییرات دستمزد شده است.
زاینده‌رودی (۱۳۸۰)	اثر مالیات (درآمد-دستمزد) بر عرضه نیروی کار در استان‌های کشور	مالیات از طریق تغییر در نرخ دستمزد خالص تأثیر مثبتی بر ساعات کار می‌گذارد. درجه حساسیت گروه‌های درآمدی مدنظر متفاوت است.

افزایش هزینه‌های دولتی تأثیر معنی‌داری بر افزایش اشتغال ندارد؛ اما کاهش مالیات‌ها موجب افزایش اشتغال می‌شود.	اثر سیاست‌های مالی (مالیات‌ها و مخارج) بر سطح اشتغال در ایران	حاتمی‌زاده و میرشمسی (۱۳۸۳)
اجرای این سیاست موجب افزایش شاخص‌های قیمت تولیدکننده و ارتقای سطح اشتغال در جامعه می‌شود.	اثرات مالیات غیرمستقیم و مخارج دولت بر اشتغال و تورم در ایران	شریفی (۱۳۹۰)
مخارج دولت تأثیر مثبت معنی‌دار و مالیات تأثیر منفی بر اشتغال در ایران دارد.	رابطه سیاست‌های مالی (مالیات و مخارج دولت) و اشتغال در ایران	توتونچی و طباطبایی‌نسب (۱۳۹۳)
افزایش هزینه‌های دولتی موجب افزایش تولید، اشتغال و حجم پول گردیده و افزایش مالیات‌ها باعث کاهش سطح تولید، کاهش اشتغال و افزایش حجم پول می‌شود.	تأثیر مخارج دولت، مالیات‌ها و تولید بر عرضه پول و سطح اشتغال در ایران	خالقی و همکاران (۱۳۹۵)
وقتی اندازه مخارج دولت کمتر از ۰/۲۴۸۴ باشد، افزایش اندازه مخارج دولت باعث کاهش چشمگیر نرخ بیکاری می‌شود؛ اما پس از حد آستانه‌ای مذکور، اثر اندازه مخارج بر کاهش نرخ بیکاری کاهش فراوانی می‌یابد.	بررسی ارتباط مخارج دولت و بیکاری در اقتصاد ایران	پتانلار و همکاران (۱۳۹۵)
اعتبارات هزینه‌ای اثر مثبت و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای اثر منفی و معناداری بر نرخ بیکاری در استان‌های کشور دارند.	اثر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای بر نرخ بیکاری استان‌های ایران	ایزدخواستی و همکاران (۱۳۹۶)
رابطه منفی و معنی‌داری بین مالیات بر شرکت و نرخ بیکاری وجود دارد.	اثر سیاست مالی در قالب وضع مالیات بر اشتغال در اقتصاد ایران	سپهردوست و همکاران (۱۳۹۸)

(مأخذ: یافته‌های پژوهش)

با توجه به بررسی مطالعات انجام‌شده در زمینه موضوع تحقیق، تا کنون تأثیرات مالیات بر درآمد شرکت‌ها و هزینه‌های دولت بر نرخ بیکاری در سطح استانی مورد بررسی و مقایسه قرار نگرفته است؛ بنابراین، جنبه نوآوری این مطالعه ارزیابی تأثیر مالیات بر درآمد شرکت‌ها روی نرخ بیکاری در سطح استانی و منطقه‌ای است. در مطالعه حاضر میزان و نحوه اثرگذاری مالیات بر درآمد شرکت‌ها و مخارج دولت بر نرخ بیکاری در استان‌های ایران بررسی و مقایسه شده است که می‌تواند وجه تمایز آن با دیگر پژوهش‌ها باشد. همچنین، در پژوهش‌های دیگر به تأثیر متغیر وقفه‌دار نرخ بیکاری در مدل اقتصادسنجی توجه نشده است. بر اساس ادبیات تحقیق، متغیر نرخ بیکاری از مقادیر گذشته خود تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین، این مطالعه فرضیه اصلی خود را در قالب یک مدل اقتصادسنجی پویا بررسی کرده است که می‌تواند آن را از سایر پژوهش‌ها متمایز سازد. بنابراین، این مطالعه هم از نظر موضوع و هم از نظر روش تحقیق با پژوهش‌های دیگر متفاوت است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

مدل مقاله حاضر بر اساس پایه‌های نظری، مطالعات پیشین مانند دومنک و گارسیا^۱ (۲۰۰۸) و زیرقویس و شاراپووا^۲ (۲۰۱۷)، شرایط اقتصاد ایران و همچنین با توجه به محدودیت آمار و اطلاعات در سطح استان‌های ایران، به صورت زیر تصریح شده است:

$$LU_{it} = \beta_0 + \beta_1 LU_{it-1} + \beta_2 LCRT_{it} + \beta_3 LGDP_{it} + \beta_4 LGOE_{it} + \beta_5 LURB_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن، L در ابتدای متغیرها به معنی لگاریتم طبیعی است. در این مدل اندیس i و t به ترتیب نشان‌دهنده استان و دوره زمانی است. شرح تفصیلی متغیرها در جدول زیر آمده است:

جدول ۲. شرح متغیرها، واحد داده‌ها و منبع داده‌ها

نماد	متغیر	شرح متغیر	واحد	مرجع جمع‌آوری داده
U	نرخ بیکاری	نسبت افراد بیکار به جمعیت فعال در سن کار	درصد	مرکز آمار ایران - داده‌ها و اطلاعات آماری - حساب‌های منطقه‌ای و محاسبات محقق
GDP	تولید ناخالص داخلی	تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۹۰ تقسیم بر جمعیت کل	میلیارد ریال	مرکز آمار ایران - داده‌ها و اطلاعات آماری - حساب‌های منطقه‌ای و محاسبات محقق
GOE	مخارج دولت	هزینه‌های دولت تقسیم بر جمعیت کل	میلیارد ریال	مرکز آمار ایران - داده‌ها و اطلاعات آماری - حساب‌های منطقه‌ای و محاسبات محقق
CRT	مالیات بر شرکتها	درآمد مالیاتی دولت از محل مالیات بر شرکتها تقسیم بر جمعیت کل	میلیارد ریال	سازمان امور مالیاتی - سالنامه‌های مالیاتی طی سال‌های مختلف
URB	شهرنشینی	جمعیت شهری تقسیم بر جمعیت کل	درصد	مرکز آمار ایران - داده‌ها و اطلاعات آماری - حساب‌های منطقه‌ای و محاسبات محقق
ε_{it}	جزء خطا	-	-	-

(مأخذ: محاسبات تحقیق)

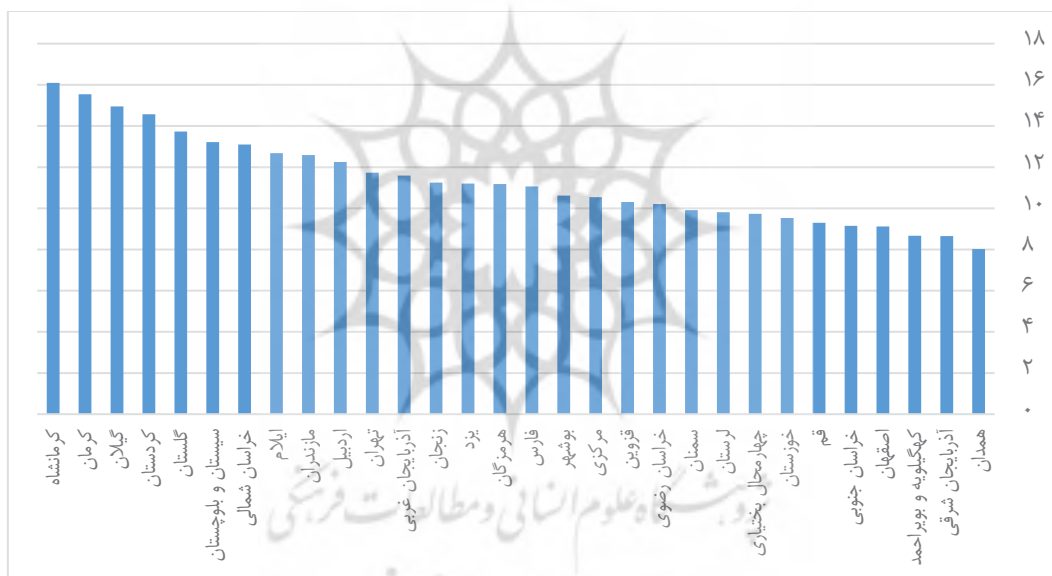
نمونه مورد بررسی در این مطالعه شامل ۳۰ استان ایران است. لازم به ذکر است که آمار استان البرز در سال‌های اخیر با استان تهران ادغام شده که از حداکثر داده‌های موجود طی دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۴۰۰ برای برآورد مدل استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Eviews استفاده شده است. در این تحقیق، با توجه به محدود بودن دوره زمانی مورد مطالعه در مقایسه با تعداد استان‌های مورد بررسی، یکی از روش‌های مهم

1. Doménech & García
2. Zirgulis & Šarapovas

برای تخمین مدل تحقیق، در بین استانی، استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی پویا است.^۱ از آنجا که بیکاری تحت تأثیر مقادیر گذشته خود قرار می‌گیرد، بایستی وقفه متغیر بیکاری در مدل آورده شود. این امر سبب پویا شدن مدل می‌شود و بنابراین، شرایط گشتاورهای تعمیم‌یافته را مهیا می‌سازد. بر این اساس، برای برآورد مدل تحقیق از روش اقتصادسنجی GMM بهره گرفته شده است. ویژگی مهم این روش این است که به آگاهی دقیق از توزیع جملات اخلال نیازی نیست. فرض اصلی این روش بر این اساس بنا گذارده شده که جمله اخلال با متغیرهای ابزاری همبستگی ندارد. روش گشتاورهای تعمیم‌یافته، با گزینش متغیر ابزاری صحیح و با اعمال یک ماتریس وزنی می‌تواند برای شرایط ناهمسانی و خودهمبستگی‌های ناشناخته نیز تخمین‌گر سازگاری ایجاد کند.

۵. یافته‌های پژوهش

ابتدا نمودار متغیر وابسته (بیکاری) و دو متغیر مربوط به سیاست‌گذار (مخارج سرانه دولت و سرانه مالیات بر درآمد شرکت‌ها) به صورت میانگین طی دوره تحقیق برای استان‌های ایران در نمودارهای زیر ارائه شده است:



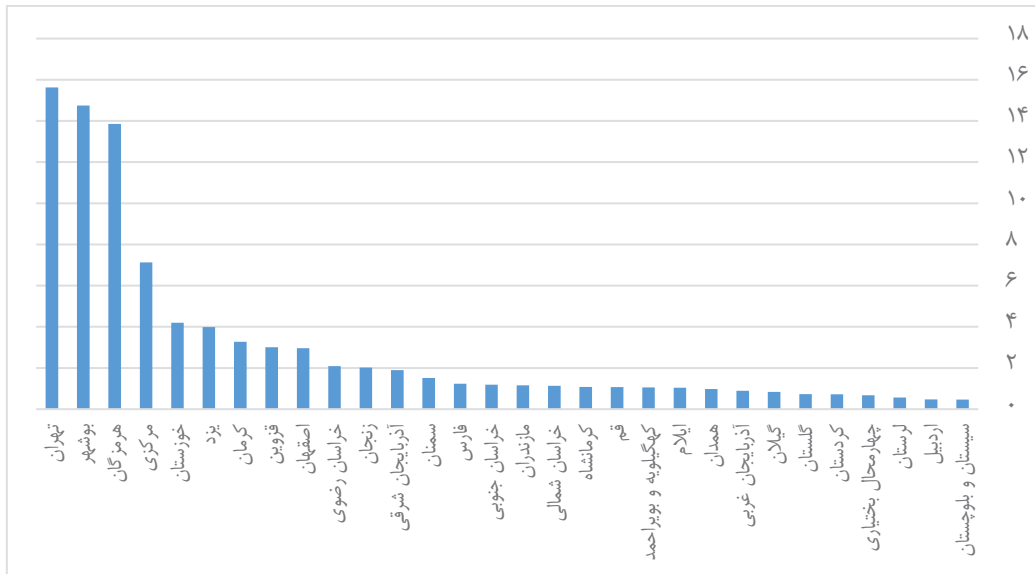
نمودار ۱. میانگین نرخ بیکاری در استان‌های ایران طی دوره ۱۳۸۷-۱۴۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

با توجه به نمودار (۱) که میانگین نرخ بیکاری در استان‌های ایران را طی دوره مورد بررسی تحقیق نشان می‌دهد، استان‌های کرمانشاه، کرمان و گیلان بالاترین میانگین را و در مقابل، استان‌های همدان، آذربایجان شرقی و کهگیلویه و بویراحمد کمترین میانگین را دارند.

۱. برای بررسی و مطالعه جزئیات بیشتر در زمینه رهیافت داده‌های تابلویی پویا، مراجعه شود به:

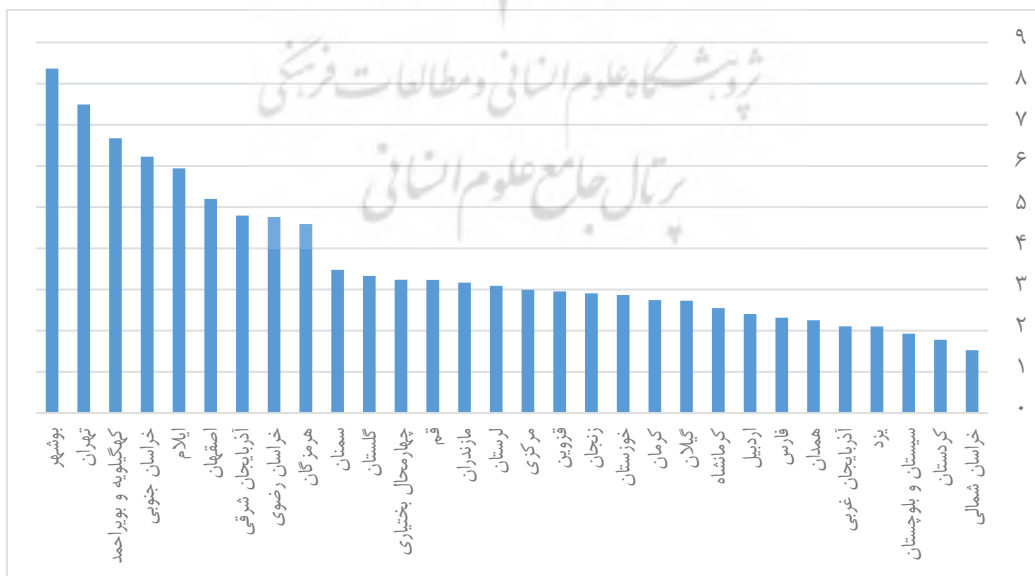
Baltagi, 2008; Arrelano & Bond, 1991; مظفری و متفکر آزاد، ۱۳۹۸



نمودار ۲. میانگین سرانه مالیات بر درآمد شرکت‌ها در استان‌های ایران طی دوره ۱۳۸۷-۱۴۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

نمودار (۲) که مربوط به میانگین سرانه مالیات بر درآمد شرکت‌ها در استان‌های ایران در بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۴۰۰ است، تفاوت‌های فراوانی در سطح مالیات بر درآمد شرکت‌ها بین استان‌ها را نشان می‌دهد. استان‌هایی که بیشتر در بخش‌های نفت، گاز، صنایع پایین‌دستی یا صنایع بنیادی فعالیت دارند، میزان مالیات بر درآمد شرکت‌ها بالایی دارند. همچنین استان‌هایی که زیرساخت‌های صنعتی مناسب‌تری دارند ممکن است شرایط خوبی برای ایجاد شرکت‌ها را فراهم کرده باشند و موجب افزایش درآمد و در نتیجه افزایش مالیات بر درآمد شرکت‌ها شده است.



نمودار ۳. میانگین سرانه مخارج دولت در استان‌های ایران طی دوره ۱۳۸۷-۱۴۰۰

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

با توجه به نمودار (۳) می‌توان گفت میانگین سرانه مخارج دولت در استان‌های ایران نشان‌دهنده تفاوت‌های چشمگیری است. برخی استان‌ها مانند خراسان شمالی و کردستان میانگین سرانه مخارج پایینی داشته‌اند، در حالی که استان‌هایی مانند تهران و بوشهر میانگین سرانه مخارج بالایی داشته‌اند. نتایج برآورد مدل تحقیق در جدول (۳) گزارش شده است:

جدول ۳. نتایج برآورد مدل با متغیر وابسته بیکاری

متغیر توضیحی	ضریب	انحراف معیار	آماره T	سطح احتمال
LU(-1)	۰/۳۴۶	۰/۰۶۸	۵/۰۵۸	۰/۰۰۰۰
LURB	۰/۱۰۴	۰/۰۴۲	۲/۴۳۳	۰/۰۲۱۴
LCRT	۰/۰۷۴	۰/۰۳۳	۲/۲۰۲	۰/۰۳۵۸
LGDP	-۰/۰۶۵	۰/۰۳۲	-۲/۰۳۱	۰/۰۴۲۹
LGOE	-۰/۰۶۸	۰/۰۳۴	-۲/۰۰۳	۰/۰۴۵۹

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

بر اساس نتایج تخمین مدل به روش GMM در جدول (۳)، تمامی ضرایب از لحاظ آماری و اقتصادی معنی‌دارند. از آنجا که مدل به صورت لگاریتمی برآورد شده، در مدل برآوردی، ضرایب نشان‌دهنده کشش بیکاری نسبت به هریک از متغیرهاست و می‌توان گفت که علامت ضریب شاخص بیکاری دوره قبل مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است؛ به طوری که کشش بیکاری نسبت به بیکاری دوره قبل برابر ۰/۳۴ است؛ یعنی با افزایش یک درصدی بیکاری دوره قبل، بیکاری دوره حاضر ۰/۳۴ درصد افزایش می‌یابد. پس می‌توان نتیجه گرفت که افزایش بیکاری در دوره قبل موجب افزایش بیکاری در دوره حاضر می‌شود. معنادار بودن این ضریب تأییدکننده مناسب بودن الگوی پویا برای نرخ بیکاری است.

ضریب برآوردی برای متغیر مخارج دولت منفی و معنی‌دار ارزیابی شده است. سطح احتمال متناظر با آماره محاسبه شده برای این پارامتر کوچک‌تر از ۵ درصد است که از لحاظ آماری معنی‌دار است. کشش بیکاری نسبت به مخارج دولت برابر ۰/۰۶۸- است. مخارج بیشتر دولت در استان‌های ایران باعث کاهش بیکاری می‌شود. این اثرگذاری این‌طور توجیه می‌شود که افزایش مخارج دولت، به‌خصوص مخارج عمرانی، از طریق افزایش طرح‌های سرمایه‌گذاری موجب کاهش نرخ بیکاری می‌شود. همچنین در رابطه با مخارج جاری دولت نیز می‌توان گفت که بخش فراوانی از پرداخت‌های جاری صرف به‌کارگیری و استخدام نیروی کار در دستگاه‌های دولتی می‌شود که طبیعتاً این امر نیز باید کاهش نرخ بیکاری را به همراه داشته باشد. افزایش شدید نرخ بیکاری، هم‌زمان با اجرای برنامه خصوصی‌سازی و به این ترتیب کاهش اندازه دولت، تأییدکننده رابطه معکوس این دو متغیر است. دولت یکی از بخش‌های مهم اقتصادی به شمار می‌آید که در کنار نقش هدایت‌کننده‌اش در اقتصاد، در زمینه‌های تولیدی نیز نقش عمده‌ای ایفا می‌کند. فعالیت‌های دولت می‌تواند بر تولید بخش خصوصی و در نهایت تولید کل اقتصاد اثرات مثبت داشته باشد.

با توجه به آماره محاسبه شده و سطح احتمال برآوردی که کمتر از ۵ درصد است، می‌توان اظهار داشت که ضریب مالیات بر شرکت‌ها در مدل بیکاری استان‌های ایران مثبت و معنی‌دار ارزیابی شده است؛ به طوری که در دوره مورد بررسی این تحقیق در استان‌های ایران با افزایش یک درصدی مالیات بر شرکت‌ها به طور متوسط ۰/۰۷۴ درصد به نرخ بیکاری استان‌های ایران افزوده شده است. مالیات بر شرکت‌ها در ساختار مالی (پرتفولیو) شرکت تأثیر می‌گذارد و از طرف دیگر در سطح تولید، قیمت بازار و تکنیک تولید می‌تواند اثرگذار باشد. این مالیات می‌تواند هزینه استفاده از سرمایه را افزایش می‌دهد و از این نظر، تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری و تولید بگذارد. به علت این اثرات و کاهش تولید، اشتغال کاهش و نرخ بیکاری افزایش می‌یابد. مالیات بر شرکت‌ها در استان‌های ایران، از نرخ بازگشت خالص سرمایه می‌کاهد، بر هزینه استفاده از سرمایه می‌افزاید و موجودی سرمایه مطلوب را نیز کاهش می‌دهد و به طور کلی تأثیر منفی بر تخصیص منابع، کارایی اقتصادی و رفاه دارد و به تبع آن بیکاری را افزایش می‌دهد. افزایش مالیات در بخش تولید هزینه تولیدات را بالا می‌برد و موجب کاهش تولید و پیرو آن کاهش سطح اشتغال در جامعه می‌شود. با توجه به نتایج برآورد مدل می‌توان اظهار داشت که مالیات بر شرکت‌ها نسبت به مخارج دولت تأثیر بیشتری بر اشتغال و بیکاری در استان‌های ایران داشته است.

کشش بیکاری نسبت به تولید ناخالص داخلی در استان‌های ایران و طی دوره مورد بررسی تحقیق برابر ۰/۰۶- است؛ به طوری که با افزایش یک درصدی GDP، از بیکاری ۰/۰۶ درصد کاسته شده است. این ضریب نیز از لحاظ آماری معنی‌دار است؛ زیرا سطح احتمال متناظر با آماره محاسبه شده از ۵ درصد کوچک‌تر است. پس فرضیه صفر آزمون معنی‌داری که مبنی بر عدم معنی‌داری پارامتر برآوردی است رد می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در فاصله اطمینان ۹۵ درصد GDP تأثیر منفی بر بیکاری استان‌های ایران دارد. بر اساس مباحث نظری، تولید ناخالص داخلی یکی از متغیرهای مؤثر و دارای اثر انتظاری منفی بر کاهش بیکاری است. به عبارت دیگر، با افزایش تولید ناخالص داخلی و بهبود موقعیت اقتصادی کشورها و به تبع آن بهبود وضعیت مؤسسات اقتصادی، نیاز به استفاده از نیروی کار افزایش می‌یابد. بدیهی است هرچه میزان تولید یک کشور بالاتر برود، نیاز به استخدام نیروی کار بیشتر و سطح اشتغال در آن کشور به اشتغال کامل نزدیک‌تر می‌شود و نرخ بیکاری کاهش می‌یابد. به کارگیری سیاست‌های مشوق تولید می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری کمک فراوانی بکند که این نتیجه نیز با مبانی نظری و مطالعات پیشین سازگار است.

کشش بیکاری نسبت به شهرنشینی در استان‌های ایران برابر ۰/۱ است که تأثیرگذاری مثبت شهرنشینی در استان‌های مختلف بر بیکاری استان‌ها را نشان می‌دهد. این ضریب برآوردی با توجه به آماره محاسبه شده و سطح احتمال متناظر با آن، از لحاظ آماری معنی‌دار است. با توجه به نبود زیرساخت‌های لازم و مشاغل اقتصادی متناسب با نیروی کار غیرماهر که از روستا به شهرها مهاجرت می‌کند (که این خود موجب افزایش بیکاری در شهرهاست)، این نتیجه منطقی به نظر می‌آید. رشد روزافزون جمعیت به‌عنوان عمده‌ترین و مؤثرترین عامل کاهش درآمد سرانه و به تبع آن، کاهش سطح زندگی و رفاه عمومی شناخته شده است. رشد جمعیت شهری سبب افزایش نرخ بیکاری می‌شود. علامت مثبت ضریب متغیر جمعیت شهری می‌تواند ناشی از این باشد که در اکثر استان‌های ایران بخش کشاورزی بخش مولد در اقتصاد است و با گسترش شهرنشینی، از رشد اقتصادی و میزان اشتغال کاسته می‌شود.

همچنین نرخ شهرنشینی، بدون توجه به روند فراهم کردن زیرساخت‌های لازم در شهرها و افزایش تخصص نیروی کار مهاجر، افزایش یافته است و از طرفی بخش کشاورزی و دامپروری تضعیف شده است. این امر موجب شده که شهرنشینی نه تنها اشتغال را افزایش ندهد بلکه موجبات کاهش اشتغال را فراهم آورد. لذا مشارکت اقتصادی نیروی کار کاهش یافته است. چنان که آمار و ارقام نشان می‌دهد، بیکاری در شهرهای ایران طی دوره مورد بررسی تحقیق در حال افزایش است. این مسئله با توجه به بررسی آمار بیکاری شهرها در استان‌های ایران طی سال‌های اخیر تأیید می‌شود.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که افزایش مالیات بر شرکت باعث افزایش نرخ بیکاری در استان‌های ایران می‌شود و همچنین افزایش مخارج دولت موجب کاهش نرخ بیکاری می‌شود؛ البته با توجه به اینکه مقدار ضریب برآوردی مالیات بر شرکت‌ها بزرگ‌تر از ضریب برآوردی متغیر مخارج دولت است. نتایج آزمون‌های آماری مدل در جدول (۴) آمده است:

جدول ۴. آزمون‌های آماری

سطح احتمال	آماره	آزمون
۰/۵۹۶۳	۲۲/۶۷۸	سارگان
۰/۰۰۰۰	-۶/۹۳۷	آرلانو-باند برای همبستگی مرتبه اول
۰/۵۳۵۸	-۰/۶۱۹	آرلانو-باند برای همبستگی مرتبه دوم

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

با توجه به آزمون‌های پس از تخمین مدل، می‌توان گفت که مدل از نظر آماری درست برآزش شده است؛ زیرا آزمون‌های خودهمبستگی و معتبر بودن متغیرهای ابزاری نشان‌دهنده معتبر بودن متغیرهای ابزاری و نبود خودهمبستگی مرتبه دوم است. فرض صفر آزمون سارگان بر معتبر بودن ابزارها دلالت دارد. فرضیه صفر آزمون سارگان را نمی‌توان رد کرد و از این رو می‌توان گفت که متغیرهای ابزاری استفاده شده در مدل برآوردی معتبر است. با توجه به اینکه سطح احتمال متناظر با آماره خودهمبستگی مرتبه اول از ۰/۰۵ کمتر است، می‌توان گفت که فرضیه صفر آزمون خودهمبستگی آرلانو-باند مبنی بر نبود خودهمبستگی مرتبه اول رد می‌شود. پس مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال تفاضل‌گیری شده از مرتبه اول است و لذا روش آرلانو-باند روش مناسبی برای تخمین مدل و حذف اثرات ثابت است؛ اما نتایج برای آزمون همبستگی سریالی مرتبه دوم نشان می‌دهد که در مرتبه دوم همبستگی سریالی وجود ندارد؛ زیرا سطح احتمال متناظر با آماره آرلانو-باند مرتبه دوم از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است و فرضیه صفر آزمون مبنی بر نبود خودهمبستگی مرتبه دوم رد نمی‌شود. به عبارتی در مدل برآوردی، خودهمبستگی از درجه دو وجود ندارد. پس در مجموع استدلال می‌شود که مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال از مرتبه اول است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه اشتغال و در مقابل آن بیکاری از مسائل مهم دولت‌ها و اقتصاددانان به شمار می‌آید که گریبان‌گیر اغلب کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه شده است. مسائل مربوط به بیکاری و مشکلات ناشی از آن، به‌علت اینکه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نیز درگیر می‌کند، اهمیت بالایی دارد؛ به‌طوری که اگر به آن توجه کافی نشود سلامت جامعه به خطر خواهد افتاد. در این مطالعه با استفاده از روش GMM تأثیر مالیات بر شرکت‌ها و مخارج دولت بر نرخ بیکاری در استان‌های ایران طی دوره ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۰ بررسی و مقایسه شد.

نتایج برآورد مدل نشان داد که مالیات بر شرکت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر بیکاری در استان‌های ایران دارد. این نتیجه با مبانی نظری و شواهد تجربی هم‌راستا است. افزایش در مالیات بر شرکت‌ها به کاهش سرمایه‌گذاری در استان‌ها منجر می‌شود و تقاضا برای نیروی کار در استان‌های مختلف کاهش می‌یابد و در نتیجه، اشتغال نیز کاهش پیدا می‌کند. مخارج دولت تأثیر منفی و معنی‌داری بر نرخ بیکاری دارد. این نتیجه با مبانی نظری و شواهد اقتصاد ایران سازگاری دارد. دلیل این امر ممکن است این باشد که بخش فراوانی از استخدام نیروی انسانی در اختیار دولت است. در واقع دولت در واکنش به بیکاری بالا، با استخدام بیشتر نیروی کار باعث افزایش مخارج خود می‌شود.

سایر نتایج برآورد نشان می‌دهد که اثر تولید ناخالص داخلی بر بیکاری استان‌های ایران منفی و معنی‌دار است که با نظریه موجود در این زمینه و مطالعات پیشین سازگاری دارد. تأثیر شهرنشینی بر بیکاری در استان‌های ایران مثبت و معنی‌دار است.

پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به سمت کاهش مالیات بر شرکت‌ها حرکت کند؛ زیرا افزایش مخارج دولت، علاوه بر اینکه موجب افزایش اندازه دولت و دخالت‌های غیربهبینه در اقتصاد می‌شود، به خودی خود به افزایش نرخ و بار مالیاتی نیز می‌انجامد. تأمین مالی مخارج دولت بیشتر از بستر مالیات‌ها انجام می‌شود و همان‌طور که نتایج این مقاله نشان می‌دهد، افزایش مالیات بر شرکت‌ها که عمده درآمد مالیاتی دولت است، تأثیر مخرب بیشتری بر اشتغال دارد. بر این اساس، توصیه می‌شود که سیاست‌گذاران اقتصادی با توجه به شرایط اقتصادی و میزان نرخ بیکاری هر استان، نرخ‌های مالیات متفاوتی را برای شرکت‌ها در مناطق مختلف در نظر بگیرند و اعمال کنند. این عمل از یک طرف موجب رونق تولید و افزایش فعالیت‌های اقتصادی شرکت‌ها در مناطق کمتر برخوردار می‌شود و از طرف دیگر بستر لازم برای کاهش نرخ بیکاری در استان‌های مختلف را فراهم می‌کند. همچنین دولت با استفاده از نرخ‌های نزولی مالیات یا معافیت‌های مختلف مالیاتی می‌تواند نرخ مؤثر مالیاتی را کاهش دهد تا صرفه‌جویی مالیاتی برای سرمایه‌گذاری بیشتر شود؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری تشویق و تولید افزایش می‌یابد و نهایتاً درآمد مالیاتی دولت نیز افزایش خواهد یافت. علاوه بر این، اعطای معافیت‌های مالیاتی مناسب به شرکت‌های تولیدی و صادراتی، به‌ازای میزان مشخصی افزوده خواهد شد و سبب رشد در تولیدات خواهد شد که این امر موجبات استخدام نیروی کار بیشتر و در نتیجه کاهش بیکاری را در پی خواهد داشت. بنابراین، توصیه می‌شود در استان‌هایی که از لحاظ صنعتی و حضور شرکت‌ها وضعیت نامناسبی دارند، مشوق‌ها و معافیت‌ها و کاهش نرخ مالیات بر شرکت‌ها اعمال شود.

تضاد منافع

نویسنده اعلام می‌دارد که هیچ تضاد منافی در این پژوهش وجود ندارد.

سپاسگزاری

از نظرات و پیشنهادهای ارزشمند داوران محترم برای بهبود وضعیت مقاله، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

- ابوذری، ایوب؛ شهیک‌تاش، محمدنبی؛ طالبلو، رضا. (۱۳۹۳). «ارتباط بین ریسک سیستماتیک و مالیات بر درآمد شرکت‌ها (مطالعه موردی بورس اوراق بهادار تهران)». *پژوهش‌نامه اقتصادی*، ۱۴(۵۴)، ۱۰۱-۱۳۲. https://joer.atu.ac.ir/article_800.html
- اثنی‌عشری، هاجر؛ کرباسی، علیرضا. (۱۳۸۸). «تأثیر مالیات و صادرات بر اشتغال بخش کشاورزی ایران». *پژوهش‌های اقتصادی*، ۹(۳)، ۱۳۹-۱۴۹. <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-7447-en.html>
- انصاری سامانی، حبیب؛ خیل‌کردی، ربابه. (۱۳۹۵). «تأثیر اندازه دولت بر بیکاری: بررسی منحنی آبرامز در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه». *مدل‌سازی اقتصادی سنجی*، ۲(۴)، ۱۱۳-۱۳۴. <https://doi.org/10.22075/jem.2017.2657>
- ایزدخواستی، حجت؛ جواهردهی، سمانه؛ عبداللهی، مسعود. (۱۳۹۶). «تحلیل عوامل کلان اقتصادی مؤثر بر بیکاری در استان‌های ایران: با تأکید بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای». *اقتصاد و الگوسازی*، ۸(۳۲)، ۱-۳۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765775.1396.8.32.1.1>
- پژویان، جمشید. (۱۳۹۰). *اقتصاد بخش عمومی؛ مالیات‌ها*. جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات جنگل.
- حاتمی‌زاده، زیور؛ میرشمسی، آرش. (۱۳۸۳). «تعیین اثر سیاست‌های مالی (مالیات‌ها و مخارج) بر سطح اشتغال در ایران». *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۸(۳۱)، ۳-۲۸. <https://ensani.ir/fa/article/download/86953>
- خالقی، فرزانه؛ کلینی، کمال؛ مشتاق، امین؛ شیری‌پور، صابر. (۱۳۹۵). «بررسی اثر بلندمدت مخارج دولت و مالیات‌ها و تولید بر روی عرضه پول و سطح اشتغال در ایران». *اولین کنفرانس ملی مدیریت و اقتصاد جهانی*، تهران، دانشگاه علم و فرهنگ. <https://civilica.com/doc/631507>
- دلیری، حسن. (۱۳۹۵). «بررسی فرضیه تغییرناپذیری بیکاری در استان‌های ایران». *مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۰(۳۵)، ۲۳-۴۵. <https://sanad.iau.ir/journal/eco/Article/587991?jid=587991&>
- رضاقلی‌زاده، مهدیه. (۱۳۹۴). «ارزیابی اثرات سیاست‌های مالی دولت از مسیر تغییر در درآمدهای مالیاتی بر اشتغال در ایران». *پژوهش‌نامه اقتصاد و کسب‌وکار*، ۵(۹)، ۳۶-۵۰. https://jebr.stb.iau.ir/article_515885.html

زاینده‌رودی، محسن. (۱۳۸۰). «بررسی تأثیر مالیات (درآمد-دستمزد) روی عرضه نیروی کار». پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۳(۸)، ۴۳-۵۷. https://ijer.atu.ac.ir/article_3808.html

سپهردوست، حمید؛ حسینی‌دوست، سید احسان؛ بابائی، علی؛ تارتار، محسن. (۱۳۹۸). «بررسی واکنش نرخ اشتغال به ساختار مالیات در ایران». مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۶(۲)، ۱۶۰-۱۲۷. https://economic.mofidu.ac.ir/article_39250.html

شریفی، نورالدین. (۱۳۹۰). «اثرات مالیات غیرمستقیم و مخارج دولت بر اشتغال و تورم: یک تحلیل داده-ستانده». تحقیقات اقتصادی، ۴۶(۹۵)، ۷۸-۵۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.00398969.1390.46.2.3.3>

صیدایی، سید اسکندر؛ بهاری، عیسی؛ زارعی، امیر. (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۹». راهبرد یاس، ۲۵(۱)، ۲۱۶-۲۴۷. <http://noo.rs/oCgtg>

عالی‌پور، علیرضا؛ عنایتی، ترانه. (۱۳۹۹). «طراحی مدل آینده بازار کار در افق ۱۴۰۴ با رویکرد مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی». اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، ۵(۱۸)، ۱۳۵-۱۵۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25382454.1399.5.18.6.6>

علی‌پور، بهزاد؛ پدرام، مهدی؛ مجدمی، سهیلا. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه دولت بر رشد اشتغال ایران طی سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۹۰». پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۴(۱۴)، ۶۳-۱۳۸۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285954.1393.4.14.4.9>

کریمی پتانلار، سعید؛ نادمی، یونس؛ زبیری، هدی. (۱۳۹۴). «اندازه دولت و بیکاری در ایران». پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۲(۴)، ۵۱-۶۴. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285954.1394.5.18.3.3>

مظفری، زانا؛ متفکر آزاد، محمدعلی. (۱۳۹۸). «تأثیر سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی بر آلودگی هوا در استان‌های ایران». نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۶(۱)، ۹۷-۱۲۸. https://ecoj.tabrizu.ac.ir/article_8719.html

منتظری شورکچالی، جلال؛ زاهدغروی، مهدی. (۱۴۰۰). «بررسی اثر اندازه دولت بر بیکاری در ایران: شواهد جدید از الگوی مارکوف-سوئیچینگ». بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۸(۱۵)، ۳۳۳-۳۵۹. <https://doi.org/10.30465/ce.2021.7274>

Aalipour, A.; Enayati, T. (2020). "Designing a future labor market model by 1404 with a managerial and resistance economics approach". *Defense Economics and Sustainable Development*, 5(18), 135-158. [In Persian]. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25382454.1399.5.18.6.6>

Abouelfarag, H. A. & Qutb, R. (2021). "Does government expenditure reduce unemployment in Egypt?" *Journal of Economic and Administrative Sciences*, 37(3), 355-374. <https://doi.org/10.1108/JEAS-01-2020-0011>

Abozari, A.; Shahikitash, M. N. & Taleblou, R. (2014). "The connection between systematic risk and corporate income tax (A case study of the Tehran stock exchange)". *Economics Research*, 14(54), 101-132. [In Persian]. https://joer.atu.ac.ir/article_800.html

- Alipour, B., Paderam, M., Majdami, S. (2014). "Investigating the short-term and long-term effects of government size on employment growth in Iran during the years 1355-1390". *Research on Economic Growth and Development*, 4(14), 63-1389. [In Persian]. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285954.1393.4.14.4.9>
- Ansari samani, H. & Khilkordi, R. (2017). "The effect of government size on unemployment: study of abrams curve in developed and developing countries". *Journal of Econometric Modelling*, 2(1), 113-134. [In Persian]. <https://doi.org/10.22075/jem.2017.2657>
- Antón, A. (2014). "The effect of payroll taxes on employment and wages under high labor informality". *IZA Journal of Labor & Development*, 3(1), 1-23. <https://doi.org/10.1186/2193-9020-3-20>
- Arellano, M. & Bover, O. (1995). "Another look at the instrumental variable estimation of error-components models". *Journal of Econometrics*, 68(1), 29-51. [https://doi.org/10.1016/0304-4076\(94\)01642-D](https://doi.org/10.1016/0304-4076(94)01642-D)
- Arellano, M. & Bond, S. (1991). "Some tests of specification for panel data: monte carlo evidence and an application to employment equations". *The review of Economic studies*, 58(2), 277-297. <https://doi.org/10.2307/2297968>
- Asna'ashari, H. & Karbasi, A. (2009). "The effect of tax and exports on agricultural sector's employment in Iran". *The Economic Research*, 9(3), 139-149. [In Persian]. <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-7447-en.html>
- Baltagi, B. (2008). *Econometric Analysis of Panel Data*. John Wiley & Sons.
- Barro, R. J. & Lee, J. W. (1996). "International measures of schooling years and schooling quality". *The American Economic Review*, 86(2), 218-223. <https://doi.org/10.4236/ojl.2018.73012>
- Beaudry, P.; Blackorby, C. & Szalay, D. (2009). "Taxes and employment subsidies in optimal redistribution programs". *American Economic Review*, 99(1), 216-42. <http://dx.doi.org/10.1257/aer.99.1.216>
- Bettendorf, L.; Horst, A. V. D. & De Mooij, R. A. (2009). "Corporate tax policy and unemployment in Europe: An applied general equilibrium analysis". *World Economy*, 32(9), 1319-1347. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9701.2009.01211.x>
- Bond, S. R. (2002). "Dynamic panel data models: a guide to micro data methods and practice". *Portuguese economic journal*, 1(2), 141-162. <https://doi.org/10.1007/s10258-002-0009-9>
- Deliri, H. (2016). Investigating the hypothesis of unemployment hysteresis in Iranian provinces. *Economic Modeling*, 10(35), 23-45. [In Persian]. <https://sanad.iau.ir/journal/eco/Article/587991?jid=587991&>
- Doménech, R., & García, J. R. (2008). "Unemployment, taxation and public expenditure in OECD economies". *European Journal of Political Economy*, 24(1), 202-217. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ejpoleco.2007.05.003>

- Egebark, J. & Kaunitz, N. (2018). "Payroll taxes and youth labor demand". *Labour Economics*, 55, 163-177. <https://doi.org/10.1016/j.labeco.2018.10.001>
- Eichner, T. & Runkel, M. (2009). "Corporate income taxation of multinationals and unemployment". *Regional Science and Urban Economics*, 39(5), 610-620. <https://doi.org/10.1016/j.regsciurbeco.2009.04.001>
- Feldmann, H. (2011). "The unemployment puzzle of corporate taxation". *Public Finance Review*, 39(6), 743-769. <https://doi.org/10.1177/1091142111423019>
- George-Anokwuru, C. C. & Okowa, E. (2021). "Company income tax and unemployment in Nigeria". *South Asian Journal of Social Studies and Economics*, 9(2), 35-41. <https://doi.org/10.9734/sajsse/2021/v9i230236>
- Greene, W. H. (2008). "The econometric approach to efficiency analysis". *The measurement of productive efficiency and productivity growth*, 1(1), 92-250. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780195183528.003.0002>
- Hatamizadeh, Z. & Mirshamsi, A. (1383). "Determining the effect of financial policies (taxes and expenditures) on Iran's employment level". *Researches and economic policies*, 3(31), 3-28. [In Persian]. <https://ensani.ir/fa/article/download/86953>
- Holden, S. & Sparrman, V. (2018). "Do government purchases affect unemployment?" *The Scandinavian Journal of Economics*, 120(1), 124-158. <http://dx.doi.org/10.1111/sjoe.12214>
- Hsiao, C. (2003). *Analysis of panel data*. 2nd, Cambridge: Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511754203>
- Isiaka, A. (2020). "How does government spending affect labour force participation and unemployment within the WAMZ countries". *International Journal of Social Science Research*, 8(2), 30-45. <http://dx.doi.org/10.5296/ijssr.v8i2.16412>
- Izadkhasti, H.; Javaherdehi, S. & Abdollahi, M. (2018). "Analysis of macroeconomic factors affecting unemployment in Iran's provinces: with emphasis on cost credits and acquisition of capital assets ownership". *Journal of Economics and Modelling*, 8(32), 1-30. [In Persian]. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.24765775.1396.8.32.1.1>
- Karimi petanlar, S.; Nademi, Y. & Zibari, H. (2015). "Government size and unemployment in Iran". *Research on Economic Growth and Development*, 2(4), 51-64. [In Persian]. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285954.1394.5.18.3.3>
- Karras, G. (1993). "Employment and output effects of government spending: is government size important?" *Economic Inquiry*, 31(3), 354-369. <https://doi.org/10.1111/j.1465-7295.1993.tb01298.x>
- Keuschnigg, C. (2009). "The role of corporate taxation in a large welfare state". *Swiss Journal of Economics and Statistics*, 145(4), 443-452. <https://doi.org/10.1007/BF03399290>
- Khaleghi, F.; Clini, K.; Mushtaq, A. & Shiripour, S. (2015). "Investigating the long-term effect of government spending, taxes and production on money supply and employment

level in Iran". *The first national conference on management and global economy*, Tehran, University of Science and Culture. [In Persian]. <https://civilica.com/doc/631507>

Kroft, K.; Kucko, K.; Lehmann, E. & Schmieder, J. (2020). "Optimal income taxation with unemployment and wage responses: a sufficient statistics approach". *American Economic Journal: Economic Policy*, 12(1), 254-92. <https://doi.org/10.1257/pol.20180033>

Kuralbayeva, K. (2019). "Environmental taxation, employment and public spending in developing countries". *Environmental and resource economics*, 72(4), 877-912. <https://doi.org/10.1007/s10640-018-0230-3>

Ljungqvist, A. & Smolyansky, M. (2014). "To cut or not to cut? On the impact of corporate taxes on employment and income". *National Bureau of Economic Research*, 20753. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2536677>

Lora, E. & Fajardo-González, J. (2016). "Employment and taxes in Latin America: An empirical study of the effects of payroll, corporate income and value-added taxes on labor outcomes". *Cuadernos de Economía*, 35(67), 75-117. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2207238>

Mark, S. T.; McGuire, T. J. & Papke, L. E. (2000). "The influence of taxes on employment and population growth: Evidence from the Washington, DC metropolitan area". *National Tax Journal*, 105-123. <https://doi.org/10.17310/ntj.2000.1.06>

Meyer, K. (2018). "Effect of corporate income taxation on unemployment levels in the European union". *The Park Place Economist*, 26(1), 16. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2207238>

Montazeri shoorekchali, J. & Zehed gharavi, M. (2021). "The effect of government size on unemployment in iran: new evidence from the markov-switching model". *Journal of Iranian Economic Issues*, 8(1), 333-359. [In Persian]. <https://doi.org/10.30465/ce.2021.7274>

Mozaffari, Z. & Motafakker azad, M. A. (2019). "The effect of social capital and human capital on air pollution in Iranian provinces". *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 6(1), 97-128. [In Persian]. https://ecoj.tabrizu.ac.ir/article_8719.html

Murwirapachena, G.; Choga, I.; Maredza, A. & Mavetera, N. (2013). "Fiscal policy and unemployment in South Africa: 1980-2010". *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 4(6), 579-579. <http://dx.doi.org/10.5901/mjss.2013.v4n6p579>

Ojong, C. M.; Anthony, O. & Arikpo, O. F. (2016). "The impact of tax revenue on economic growth: evidence from Nigeria". *IOSR Journal of economics and finance*, 7(1), 32-38. <http://dx.doi.org/10.9790/5933-07113238>

Onodugo, V. A.; Obi, K. O.; Anowor, O. F.; Nwonye, N. G. & Ofoegbu, G. N. (2017). "Does public spending affect unemployment in an emerging market?" *Risk governance & control: Financial markets & institutions*, 7(1), 32-40. <http://dx.doi.org/10.22495/rgcv7i1art4>

- Pazhouyan, J. (2011). *Public Sector Economy; Taxes*. Second volume, Seventh edition, Tehran: Jangal Publications. [In Persian].
- Rezagholizadeh, M. (2015). "Evaluating the effects of government fiscal policies through changes in tax revenues on employment in Iran". *Journal of Economics and Business Research*, 5(9), 36-50. [In Persian]. https://jebr.stb.iau.ir/article_515885.html
- Sepehrdoust, H.; Hosseini dust, S. E.; Babaee, A. & Tartar, M. (2019). "Investigating the employment rate response to the tax structure in Iran". *Studies in Economic Policies*, 6(2), 127-160. [In Persian]. https://economic.mofidu.ac.ir/article_39250.html
- Seydaei, S. A.; Bahari, A. & Zarei, A. (2011). "Examining the employment and unemployment situation in Iran during the years 1335-1389". *Strategy of Yas*, 25(1), 216-247. [In Persian]. <http://noo.rs/oCgtg>
- Sharifi, N. (2011). "Effects of indirect taxes and government expenditures on employment and inflation: A panel data analysis". *Economic Research*, 46(95), 59-78. [In Persian]. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.00398969.1390.46.2.3.3>
- Wang, L. F. & Sun, J. (2023). "Corporate profit tax, firm entry with unemployment, and income inequality". *Bulletin of Economic Research*, 75(2), 380-392. <http://dx.doi.org/10.1111/boer.12361>
- Zayanderoudi, M. (2001). "Examining the impact of income-tax on labor supply". *Iranian Economic Research*, 3(8), 43-57. [In Persian]. https://ijer.atu.ac.ir/article_3808.html
- Zirgulis, A. & Šarapovas, T. (2017). "Impact of corporate taxation on unemployment". *Journal of Business Economics and Management*, 18(3), 412-426. <http://dx.doi.org/10.3846/16111699.2016.1278400>